



مولوی، دیوان شمس، غزل شماره ۲۷۷۳

با یار بساز تا توانی
تا بی‌کس و مبتلا نمانی

بر آب حیات راه یابی
گر سر موافقت بدانی

با سایه یار رو یکی شو
منمای ز خویشتن نشانی

گر رطل گران دهند درکش
ای جان بگذار این گرانی

ای دل مپذیر بیش صورت
می‌باش چو آب در روانی

پذیرفتن صورت از جمادی است
مفسر اگر از رَحِیق جانی

در مجلس دل درآ که آن جا
عیش است و حریف آسمانی

